

به نام خداوند بخشنده مهربان
قانون مجازات اسلامی مصوب اردیبهشت ۹۲
بررسی کلیات و ماده 1 تا 26
مدرس : محمد کاویانی، آرزو شب انگیز، عاطفه تقی زاده

قانون مجازات اسلامی از چه سخن میگوید:

1. از جرایم برای مثال سرقت و قتل و ...
2. از مجازات ها برای مثال حبس و اعدام و جزای نقدی و
3. از شرایط ایجاد مسئولیت کیفری مثل بلوغ و عقل و
4. از موانع ایجاد مسئولیت کیفری مثل دفاع مشروع یا صغر یا اجبار و (ماده 1)

جا دارد چند مبحث مهم و مقدماتی را قبل خواندن مواد قانونی مطرح کنیم :

بحث اول :

منابع حقوق جزا عبارتند از: ۱- منابع اصلی یا الزامی ۲- منابع فرعی یا ارشادی

منابع اصلی یا الزامی حقوق جزا عبارتند از: ۱- قانون ۲- معاهدات بین المللی ۳- رویه ی قضایی در معنای خاص (آرای وحدت رویه) ۴- مصوبات قوه ی مجریه ۵- مصوبات کمیسیون تخصصی مجلس ۶- منابع فقهی یا فتاوی معتبر (به نظر مرحوم نوربها)

منابع فرعی یا ارشادی عبارتند از: ۱- رویه ی قضایی در معنای عام (عرف دادگاهها) ۲- عرف و عادت ۳- دکترین ۴- منابع فقهی یا فتاوی معتبر (به نظر دکتر گلدوزیان و دکتر اردبیلی)

بحث دوم :

هر جرم از 3 عنصر تشکیل شده است : 1. عنصر قانونی 2. عنصر مادی 3. عنصر روانی

تعریف عنصر قانونی : قانون باید آن عمل را جرم بداند و در واقع زیر بنای عنصر مادی و روانی است و ناشی از اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. مثلاً عنصر قانونی جرم کلاهبرداری ماده 1 قانون تشدید مجازات ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری است.

تعریف عنصر مادی : تحقق خارجی و ملموس ، محسوس و عینی فعل یا ترک فعلی که در قانون به عنوان جرم تعریف شده است.

تعریف عنصر روانی : قصد انجام جرم است.

تقسیم بندی عنصر مادی بر اساس انواع رفتار فیزیکی :

1. فعل : (رفتار مثبت) مثل قتل ، سرقت و ...
2. ترک فعل : (رفتار منفی) مثل ترک نفقه ، خودداری از کمک به مصدومین ، استنکاف از حق قضای ، امتناع از دادن طفل به اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند و در یک جمله امتناع از ایفای تکالیف قانونی که برای آن مجازات تعیین شده باشد.

3. حالت: مثل اعتیاد ، تکدی گری ، ولگردی ، عضویت در گروههای ضد انقلاب
4. فعل ناشی از ترک فعل فقط و فقط در مواردی که قانون گفته است جرم است: مثلا در ماده 633 مصوب 75 گفته شده که اگر کسی طفلی را در جایی خالی از سکنه رها کند و در نتیجه آن بلایی سر طفل بیاید مجازات دارد.
5. نگهداری: مانند نگهداری سلاح غیر مجاز یا مواد مخدر.

بحث سوم:

تقسیم بندی جرایم:

۱- تقسیم بندی جرایم به لحاظ زمان وقوع جرم:

جرم آنی: مجرم ، فعل یا ترک فعل مجرمانه را در یک لحظه انجام می دهد مثل قتل ، توهین
(اثر جرم آنی بودن : مبدا مرور زمان ، از لحظه وقوع جرم است ، از لحاظ تاثیر قانون جدید : تابع قانون زمان وقوع جرم است ، از لحاظ دادگاه صالح ، جرم در صلاحیت دادگاهی است که در قلمرو آن ارتکاب یافته است)

جرم مستمر: مجرم ، فعل یا ترک فعل مجرمانه را در برهه ای از زمان جاری می کند و دائما تجدید حیات می کند مثل ترک انفاق ، تصرف عدوانی ،

(اثر جرم مستمر بودن : شروع مرور زمان ، از لحظه قطع استمرار است ، از لحاظ تاثیر قانون جدید ، اگر تا زمان لازم الاجرا شدن قانون جدید ادامه یابد تابع قانون لاحق است حتی اگر قانون لاحق شدید تر باشد ، از لحاظ دادگاه صالح ، همه ی دادگاه هایی که جرم در قلمرو آنها استمرار یافته صالحند).

۲- تقسیم بندی جرایم به لحاظ اجزاء عنصر مادی:

جرم مرکب: عنصر مادی جرم از اجزای متعدد تشکیل شده است که بر روی هم قصد نتیجه واحدی دارند. بهترین مثال آن کلاهبرداری است که اجزایش 1. توسل به وسیله متقلبانه و 2. تحصیل مال غیر است و هدف واحد کلاهبرداری است.

جرم ساده: عنصر مادی جرم فقط یک جز دارد مثل قتل و زنا و....

۳- تقسیم بندی جرایم از لحاظ احتیاج به نتیجه:

جرم مطلق: صرف فعل یا ترک فعل برای وقوع جرم کافی است و قانونگذار حصول نتیجه را لازم نمیداند. مثل توهین ، شهادت کذب

جرم مقید: علاوه بر فعل یا ترک فعل مقنن حصول نتیجه را هم برای وقوع جرم لازم می داند. مثل قتل که باید سلب حیات شود یا سرقت که باید مال ربوده شود.

۴- جرم به عادت

جرم به عادت: مجرم حداقل دو بار رفتار مجرمانه معین را تکرار می کند ، مثل برپا کردن مراکز فحشا ، معامله اموال مسروقه به نحو حرفه ای ، برپا کردن قمارخانه ، تکدی گری (دقت : جرم به عادت بیشتر مربوط به شغل هایی است که قانون آن را جرم می داند).

اثر جرم به عادت بودن، شروع مرور زمان، از لحظه تکرار آخرین رفتار تشکیل دهنده جرم است. از لحاظ تاثیر قانون جدید، اگر تکرار رفتار مجرمانه در زمان حکومت ق لاحق هم بوده تابع قانون لاحق است حتی اگر قانون لاحق شدیدتر باشد، از لحاظ دادگاه صالح، دادگاهی صالح است که فعل مکرر در قلمرو آن رخ داده است)

نکته مهم: اخفای مال مسروقه جرمی مستمر است و اگر متهم معامله اموال مسروقه را حرفه و شغل خود قرار دهد، جرم به عادت می باشد.

بحث چهارم:

مراحل تفسیر عبارتند از: ۱- تفسیر منطقی یا توضیحی که تفسیر مقنن از قانون است و کاشف اراده قانونگذار است. ۲- تفسیر مضیق (در ادامه توضیح داده خواهد شد) ۳- تفسیر به نفع متهم (آخرین مرحله ی تفسیر است).

بحث پنجم:

مراحل ارتکاب جرم عبارتند از: ۱- قصد ارتکاب جرم ۲- تهیه ی مقدمات ۳- شروع به اجرا ۴- اجرای جرم

بحث ششم:

سوء قصد یا قصد مجرمانه شامل سوء نیت عام و سوء نیت خاص است:

۱- سوء نیت عام: آگاهی مرتکب نسبت به فعل مجرمانه

۲- سوء نیت خاص: آگاهی مرتکب نسبت به نتیجه

انگیزه: ۱- نقش انگیزه در تحقق جرم ۲- نقش انگیزه در مجازات

۱- نقش انگیزه در تحقق جرم: انگیزه اصولاً در تحقق جرم تاثیری ندارد.

۲- نقش انگیزه در مجازات: انگیزه در تعزیرات تأثیر دارد؛ انگیزه ی شرافتمندانه از جهات تخفیف مجازات تعزیری است و در تعلیق و تعویق نیز اثر دارد.

بحث هفتم:

اصل شخصی بودن مجازاتها یعنی فقط شخص مرتکب جرم قابل مجازات است و هیچ فرد دیگری را نمی توان مجازات کرد.

اصل شخصی بودن مجازاتها با استثنایاتی مواجه است از جمله: ۱- مسئولیت عاقله در پرداخت دیه در مورد جنایات عمد و شبه عمد نابالغ و دیوانه ۲- مسئولیت مدیران و دستور دهندگان ناشی از جرایم حقوقی (ماده ی ۵۶۸ ق.م.ا تعزیرات)

اصل فردی کردن مجازات یعنی مجازات با توجه به اوضاع و احوال مجرم (پرونده ی شخصیت مجرم) تعیین می شود.

پس از مطرح کردن کلیات ماده به ماده و بخش به بخش جلو می رویم :

قانون گذار از تعریف جرم شروع به بحث کرده است.....بدون تردید در بین اصول حقوق جزا، **سلطان اصل ها ، اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتهاست** که قانون در (ماده 2) در موردش اینگونه می گوید :جرم عبارت است از هر رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که قانون برایش مجازات تعیین کرده است.

ساده بگوییم :قانون گفته است انجام دادن X جرم است یا انجام ندادن M جرم است اما رفتار Y جرم نیست یا F جرم نیست (مثل خودکشی).....ما هم طبق اصل قانونی بودن جرایم حرف قانونگذار را قبول می کنیم.

نکته : مطابق ماده ۱۲ ق م ا اقدامات تأمینی و تربیتی هم مشمول اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها هستند.

اما همانطور که می دانید **هر اصل آثاری دارد**آثار اصل قانونی بودن جرم و مجازات چیست ؟

سه اثر مهم از این اصل ناشی میشود :

1. اثر این اصل در مکان

2. اثر اصل در زمان (عطف به ما سبق نشدن قوانین ماهوی)

3. تفسیر مضیق

1. تاثیر اصل قانونی بودن جرایم در مکان :

(ماده 3) ، اصلی را تعریف می کند که بسیار عاقلانه است ، نام این اصل ، اصل **صلاحیت سرزمینی** است که می گوید هر شخصی چه ایرانی چه غیر ایرانی ، در داخل مرزهای ایران جرمی را انجام دهد ، محاکم ایران صلاحیت رسیدگی به آن جرم را دارند.

دقت کنید منظور از مرزها شامل مرز خاکی ، آبی و هوایی ایران است

دقت کنید : کلمه ی اشخاص در این ماده هم اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی را شامل میشود.

دقت کنید : ماده ۴ مکمل ماده ۳ است و دامنه ی صلاحیت سرزمینی را به این ترتیب که حتی اگر قسمتی از جرم در ایران واقع شود یا نتیجه ی مجرمانه در ایران باشد گسترش میدهد.

دقت کنید : چون در این ماده گفته شده "هرگاه قسمتی از جرم..." این ماده فقط **جرم مرکب** را شامل میشود و جرم ساده را شامل نمی شود.

دقت کنید : چون در این ماده گفته شده "...یا نتیجه ی آن..." پس این ماده فقط **جرم مقید** را در برمیگیرد و جرم ساده را دربرنمیگیرد.

دقت کنید : همانطور که قبلا گفته شد جرایم مستمر و به عادت نیز مشمول ماده هستند.

دقت کنید : منظور از بخشی از جرم ، بخشی از **عملیات اجرایی جرم** است نه تهیه ی مقدمات آن. (ماده 4) به طور مثال تهیه ی سم برای قتل تهیه ی مقدمات است اما گذاشتن سلاح بر شقیقه ی فرد عملیات اجرایی جرم می باشد.

دقت کنید : اگر جرم توسط مباشر در ایران ارتکاب یافته باشد ولی معاون جرم در خارج از ایران عمل خودش را انجام داده باشد در صورتی معاون را هم در ایران مجازات می کنیم که عملش در کشور خارجی و طبق قانون خارجی جرم باشد. (معاونت استعاره ای یا عاریه ای) و در همان دادگاهی محاکمه می شود که مباشر محاکمه می شود.

دقت کنید : محل ارتکاب جرایم مبتنی بر ترک فعل محلی است که مجرم در آن محل باید به وظیفه ی خودش عمل می کرده و عمل نکرده. مثلا زندانی به مرخصی رفته و برنگشته:محل وقوع جرم زندان است.

نتیجه گیری : اصل الف : پس هر جرم داخل مرز ایران در صلاحیت محاکم ایران است
مفهوم مخالف آن : اصل ب : پس هر جرم رخ داده خارج از مرز ایران در صلاحیت محاکم ایران نیست.

هر اصل استثنا دارد.....حالا استثنای 2 اصل بالا را می گویم.....

استثنای اصل الف یعنی اصل صلاحیت سرزمینی : اگر دیپلمات های کشوری خارجی (مثلا سفیر انگلیس در ایران کلاهبرداری کند) در ایران جرمی کنند ، محاکم ایران صالح نیستند و کشور فرستنده (یعنی انگلیس) صالح است.
استثنای اصل ب که می گفت جرم رخ داده در بیرون از مرزهای ایران در صلاحیت محاکم ایران نیست :

1. جرایم ماده 5 (که در خصوص صلاحیت واقعی است) چون علیه منافع ملی کشورمان است در هر کجای کره زمین رخ دهد و توسط هر کسی اعم از ایرانی و غیر ایرانی رخ دهد ، در صلاحیت محاکم ایران است.

نکته : قاعده منع محاکمه مضاعف در ماده 5 به طور کامل پذیرفته نشده است به نکته ای باید دقت داشت: نکته ای در ماده 5 گفته شده که در ماده 7 اشاره نشده....و ان این است که در ماده 5 ، اگر قسمتی از مجازات تعزیری در خارج اجرا شده است و قسمتی از ان باقی مانده و مجرم در ایران دستگیر شود چون این جرم ها علیه منافع ملی اند هنوز محاکم ایران (برای قسمت اجرا نشده) صالح اند اما در ماده 7 حتی اگر قسمتی از مجازات اجرا شود دیگر محاکم ایران صالح نیستند.

در ماده 5 به این نکته توجه کنید : در قانون قدیم **جعل آرا** مراجع قضایی نبوده و به تازگی اضافه شده است.

نکته : جعل نوشته رسمی یا غیر رسمی رهبری جرم است .اما فقط جعل نوشته رسمی سایر مقامات جرم است.....

نکته : **قید جرایم مقرر در قوانین خاص** در ماده ۵ قیدی جدید و مهم است و نیاز به دقت فراوان دارد.

نکته : برای اینکه شخص مرتکب در ایران مورد تعقیب قرار بگیرد و به جرمش رسیدگی شود لازم "نیست" در ایران حضور داشته باشد.(**امکان رسیدگی غیابی** در مورد جرایم موضوع ماده ۵(صلاحیت واقعی) وجود دارد.)

نکته : طبق که ماده می گوید:...."هرگاه رسیدگی به این جرایم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود..."؛ رسیدگی خارج از ایران محدود به رسیدگی فقط در محل وقوع جرم نیست، **در هر کجا** که به جرم رسیدگی شده باشد در مجازات مجدد محاسبه می شود.

نکته : عبارت اقدام علیه نظام در بند الف، فقط اقدامات سیاسی و نظامی را دربر نمی گیرد **بلکه اقدام علیه نظام اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را هم دربر می گیرد.**

نکته : جعل اسکناس خارجی و تهیه یا ترویج سکه ی قلب خارجی و همچنین تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات غیر رایج داخل (مثل سکه ۵ یا ۱۰ تومانی) **مشمول ماده نیست.**

نکته : **اعضای** مجلس خبرگان مشمول ماده نیست.

2. به جرائم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا غیرایرانی که **در رابطه با شغل و وظیفه خود** در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده اند و به جرائم مأموران سیاسی و کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از **مصونیت سیاسی** برخوردارند طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران رسیدگی می شود. (**ماده ۶ قانون مجازات اسلامی**)

3. ایرانی (کسی که تابعیت ایران را دارد) هر کجای کره ی زمین که جرم کند ، **مطابق اصل صلاحیت شخصی فعال** دادگاه ایران صالح به رسیدگی می باشد به شرط اینکه عملش جز قاعده منع محاکمه مضاعف نشود (توضیح قاعده بعد شماره 5) و عمل او در ایران جرم باشد مثلا اگر حسن در فرانسه زن دوم گرفت ، اگرچه در ق فرانسه جرم کرده است اما چون در ایران عملش جرم نیست قابل تعقیب نیست (**ماده ۷ قانون مجازات اسلامی**)

نکته : شرط محاکمه ی مرتکب در ایران این است که در " همان کشور محل جرم " ، محاکمه یا تبرئه نشده باشد یا مجازات در موردش اجرا نشده باشد؛ پس هر کشور خارجی را دربر نمی گیرد.

نکته : چون در ماده گفته... "در صورتی که در ایران یافت یا به ایران اعاده شود..." پس امکان رسیدگی غیابی وجود ندارد.

4. اگر ایرانی هر کجای کره ی زمین بزه دیده واقع شود ، مطابق جنبه ی منفی اصل صلاحیت شخصی یعنی صلاحیت شخصی منفعّل دادگاه ایران صالح است البته به شرط اینکه شامل قاعده منع محاکمه مضاعف نشود و عمل طرف خارجی

در ایران و محل وقوع جرم ، در هر دو جا جرم محسوب شود. (ماده ۸ قانون مجازات اسلامی)
نکته : برای این ماده باید مرتکب غیر ایرانی و بزه دیده ایرانی باشد؛ اگر هم مرتکب و هم بزه دیده هر دو ایرانی باشند، طبق اصل صلاحیت فعال در ایران قابل محاکمه است.

نکته : غیر ایرانی باید در ایران حضور یابد یا به ایران مسترد شود، پس امکان رسیدگی غیابی وجود ندارد.

نکته : به قید علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور توجه ویژه داشته باشید.

نکته : هر جرمی، غیر از جرایم مندرج در مواد ۳ الی ۷ این قانون را در بر میگیرد.

نکته : شرط محاکمه ی مرتکب در ایران این است که در " همان کشور محل جرم " ، محاکمه یا تبرئه نشده باشد یا مجازات در موردش اجرا نشده باشد؛ پس هر کشور خارجی را دربر نمی گیرد.

5. صلاحیت جهانی : صلاحیتی که محاکم ایران صرف نظر از تابعیت بزهکار یا بزه دیده و بر اساس اینکه مجرم کجا (یعنی در ایران) دستگیر شده است دارند..... مثل نسل کشی و این صلاحیت دید حقوق بشرگونه دارد .

قاعده مهم (تغییر جدید ق ۹۲) : قانونگذار ما برای اولین بار در صلاحیت شخصی اعم از فعال و منفعّل (مواد ۷ و ۸ ق م ا) . صراحتاً قاعده منع محاکمه مضاعف را پذیرفته است. این قاعده می گوید اگر شخصی در امریکا جرمی تعزیری مثل توهین را مرتکب شد و در انجا محاکمه و تبرئه شد یا مجازات شد (چه کلا چه جزیا)..... محکمه ایران دیگر نمی تواند به این جرم رسیدگی کند.

دقت کن.... قاعده منع محاکمه مضاعف فقط ططططططططط در تعزیرات حکومتی پذیرفته شده و در حدود و قصاص و دیات و تعزیرات منصوص شرعی پذیرفته نشده است.

2. تاثیر اصل قانونی بودن جرایم در زمان (عطف به ما سبق نشدن قوانین ماهوی جزایی):

ابتدا مقدمه ای را بگویم ، قوانین ۲ دسته هستند ۱. شکلی ۲. ماهوی

در قوانین شکلی مثل آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری اصل بر عطف به ما سبق شدن قوانین است یعنی تا قانون جدید وضع شد به سیستم گذشته هم سرایت میکند چنان که ماده ۱۱ ق م ا میگوید:

قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجراء می شود:

الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضائی و صلاحیت

ب- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم

پ- قوانین مربوط به شیوه دادرسی

ت- قوانین مربوط به مرور زمان

تبصره - در صورتی که در مورد بند(ب) حکم قطعی صادر شده باشد، پرونده برای بررسی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می‌شود.

نکته: در امور کیفری قوانین مربوط به صلاحیت، چه صلاحیت ذاتی و چه صلاحیت نسبی عطف به ما سبق می‌شوند.

در نتیجه: در قوانین کیفری شکلی اصل بر عطف به ما سبق شدن قوانین کیفری است چون حقوق و آزادی‌های افراد را بهتر تأمین میکند مگر اینکه:

الف) قانون جدید بر خلاف حقوق مکتسبه ی افراد باشد. اگر مدتی که برای شمول مرور زمان است در قانون جدید افزایش یابد عطف به ما سبق نمیشود چون خلاف حقوق مکتسبه ی افراد است.

ب) خود قانون گذار تصریح کرده باشد که به گذشته سرایت پیدا نمی‌کند.

در قوانین ماهوی مثل قوانین مربوط به حقوق جزا یا مدنی و...، اصل بر عطف به ما سبق شدن قوانین است یعنی

اثرشان از زمان لازم الاجرا شدن قانون است و برای آینده است و به گذشته سرایت نمی‌کند مثلاً اگر حسن سال 90

، سرقت و کلاهبرداری کرد و در سال 92 خواستیم به جرایم او رسیدگی کنیم و قواعد تعدد جرم را در مورد او اجرا کنیم به جرم حسن طبق قانون قدیم رسیدگی می‌کنیم نه طبق قانون جدید.

نکته: برای رعایت عطف به ماسبق شدن قوانین باید تاریخ وقوع جرم را بدانیم:

تاریخ وقوع جرم در جرایم ساده و آنی: مثل قتل تاریخی است **که فعل یا ترک فعل در آن واقع شده** و همان قانون زمان جرم حاکم است.

تاریخ وقوع جرم در جرایم مستمر و متمادی که رفتار مجرمانه در طول زمان جریان دارد مثل ترک انفاق: **اگر بخشی از رفتار**

در زمان قانون سابق باشد و بخشی از آن در زمان قانون لاحق باشد؛ قانون لاحق حاکم است حتی اگر شدیدتر باشد.

در جرایم به عادت: اگر جرم در زمان قانون جدید **آنقدر تکرار** شده باشد که عادت شده باشد، قانون جدید حاکم است.

در جرایم مرکب هم تاریخ وقوع جرم زمانی است که **تمام رفتارها و اجزای تشکیل دهنده ی جرم واقع شده باشد.**

اما همانطور که گفته شد در حقوق جزا اصل بر عطف به ما سبق نشدن قوانین است

مهم ترین استثنای عبارت اند از:

الف) ماده 10 و ب) تبصره ماده 10 ج) قوانین تفسیری

الف) ماده 10: مگر اینکه قانون جدید از جهاتی مساعدتر به نفع متهم باشد... که طبق قانون جدید به آن رسیدگی می‌شود.....

شاید بپرسید قانون مساعدتر یعنی چه و از کجا بفهمیم قانونی مساعدتر به حال متهم است:

یعنی قانونی که به جای مجازات، اقدام تأمینی و تربیتی جایگزین کند

یعنی قانونی که میزان مجازات جرم ارتكابی را تخفیف دهد (با دقت کردن به حداقل و حداکثر مجازات حبس یا جزای نقدی)

یعنی قانونی که کیفیت مخففه ای را پیش بینی کند

یعنی قانونی که مجازات تبعی را به تکمیلی تبدیل کند

یعنی قانونی که جرم غیر قابل گذشتی را در دسته قابل گذشت ها بگذارد و

نکته : اگر قانون جدید حداقل مجازات را افزایش دهد ولی حداکثر آن را کاهش دهد، **خفیف** است چون امکان محکومیت متهم به کیفر بیشتر وجود ندارد.

حالا اگر قانون جدید عملی که قبلا جرم بود را **جرم نشناخت** یا **مبتنی بر تخفیف** بود چه باید کرد :
دو مرحله در اینجا قابل تصور است :

1. **قبل صدور حکم قطعی** ، که در اینجا قاضی باید طبق قانون جدید رسیدگی کند .

2. **بعد صدور حکم قطعی** ، دو حالت پیش می آید :

الف : بعد صدور حکم قطعی عمل در قانون جدید دیگر جرم نیست پس اگر هنوز اجرا نشده دیگر **اجرا نمیشود**... اگر وسط اجراییم ، **اجرا را متوقف می کنیم**... اگر کامل اجرا شده **اثر کیفری بر آن بار نیست**)

ب : بعد صدور حکم قطعی عمل در قانون جدید تخفیف خورده است که در اینجا قاضی اجرای احکام **مکلف** است از دادگاه صادر کننده حکم درخواست اصلاح کند و البته محکوم نیز **می تواند** درخواست تخفیف کند و اولیا صغیر هم در جرم طفل بزهکار **می توانند** درخواست تخفیف کنند. و **دادگاه مکلف است تخفیف دهد**.

نکته خیلییی مهم : در قانون آیین دادرسی کیفری (بند ۷ ماده ۲۷۲) برای گرفتن تخفیف توسط دادگاه نیاز به اعاده دادرسی بود ولی در قانون جدید برای گرفتن تخفیف ، نیازی به اعاده دادرسی نیست و با یک درخواست از همان دادگاه صادر کننده حکم ، توسط اشخاصی که در بند قبل گفتیم تخفیف صورت می پذیرد. **در نتیجه: بند ب ماده ۱۰ ق م ا بند ۷ ماده ی ۲۷۲ ق ا د ک را نسخ ضمنی نموده است.**

ب (تبصره ماده ۱۰) اصل عطف به ما سبق نشدن راجع به قوانین خاص و موقتی اجرا نمی شود حتی اگر قانون جدید با تخفیف همراه باشد، مثال ، در دوران جنگ می گویند هر کس سرقت کند اعدام می شودبعد جنگ این مجازات از بین می رود ، ۱۰ سال بعد شخصی پیدا میشود که در زمان جنگ جرم سرقت کرده است او را طبق قانون زمان جنگ محاکمه و اعدام می کنند.

نکته : قاعده عطف به ما سبق نشدن به موجب رای وحدت رویه (۶۱۶) مورخ ۱۳۷۶/۳/۶ و تبصره ی ماده ۱۰ ق م ا **در مورد قانون صادرات و واردات کشور** که سالانه و برای مدت معین وضع میشود قابل اعمال نیست.

ج) قوانین تفسیری : گاهی اوقات یک ماده قانونی الف مبهم است ، و از مجلس شورای اسلامی میخواهند آن ماده را روشن و واضح کند ، مجلس هم برای رفع ابهام ماده الف ، ماده ب را اضافه می کند..... این ماده ب که ابهام زدا بوده عطف به ما سبق می شود..... چون در واقع همان ماده الف است که روشن شده است. پس **قوانین تفسیری همواره عطف به ما سبق میشوند**.
نکته بسیار مهم : قاعده عطف به ما سبق نشدن شامل موارد حدود و قصاص و دیات نمی شود. (اینها مجازات شرعی اند و همیشه ثابت هستند) رای وحدت رویه ۴۵ مورخ ۱۳۶۵

3. تاثیر اصل قانونی بودن در تفسیر مضیق :

در حقوق جزا اصل بر تفسیر مضیق است ، به این معنی که هر جا که شک کنیم جرمی واقع شده یا نه ، اصل بر این است که جرمی واقع نشده. مثال : تعریف سرقت : ربودن مال غیر..... حال شک می کنیم ربودن انسان هم شامل تعریف سرقت می شود طبق این اصل می گوییم خیر ربودن انسان سرقت نیست هر چند جرم جداگانه ای محسوب می شود.

و می گویند حکم به هر گونه مجازاتی باید از طریق دادگاه صالح (خط قرمز 1) و به موجب قانون (خط قرمز 2) و با رعایت تک تک شرایطی که قانون گذاشته (خط قرمز 3) است باشد. و به هییییییییییچ وجه از این خط قرمزها نمی شود عبور کرد. و اگر از این خط قرمز عبور شد ضمانت اجرا دارد.

ضمانت اجرای رعایت نکردن اصل تفسیر مضیق چگونه است : ماده 13

صدمه و خسارت وارد شده ناشی از **عمد** قاضی بوده..... حسب مورد ضمانت اجرای کیفری و مدنی دارد.

صدمه و خسارت وارد شده ناشی از **تقصیر** قاضی بوده..... حسب مورد ضمانت اجرای کیفری و مدنی دارد.

صدمه و خسارت نه ناشی از عمد و نه ناشی از **تقصیر قاضی** بوده..... خسارت از بیت المال داده می شود.

نکته : در صورتی می توان خسارت را از بیت المال پرداخت کرد که در **قانون** ذکر شده باشد.

بخش دوم_ مجازات ها

همانطور که دیدیم ابتدا قانونگذار جرم را تعریف کرد و آثار اصل قانونی بودن جرم را گفت و حال در بخش دوم می خواهد از مجازات هایی که در کشورمان اجرا خواهد شد سخن بگوید.

اما قبل از تعریف مجازات ها ابتدا این نکته بسیار مهم را باید به صورت مبحثی در اینجا بگوییم:

قانونگذار جدید تحول بزرگی را پذیرفته است. و آن **مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی** در حقوق جزاست. یعنی از این به بعد اشخاص حقوقی هم اگر جرم کنند مسئولیت کیفری دارند.

البته اصل بر مسئولیت اشخاص حقیقی است و به صورت استثنایی و در جاهایی که تصریح صورت گرفته اشخاص حقوقی مسئولیت کیفری دارند.

شخص حقوقی فقط در یکی از دو فرض زیر مسئولیت کیفری دارد : (**ماده 143**)

1. **نماینده قانونی شخص حقوقی به نام شخص حقوقی مرتکب جرم شود.**

2. **نماینده قانونی شخص حقوقی در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شود.**

نکته : مجازات شخص حقیقی و شخص حقوقی می تواند با هم **جمع** شود.

نکته : وقتی اشخاص حقوقی از نظر کیفری مسئولیت داشته باشند ، پس مسئول جبران زیان های ناشی از فعالیتشان هم هستند.
(به موجب تبصره ی ماده ۱۴ **در صورت احراز رابطه علیت** دیه و خسارت از شخص حقوقی قابل مطالبه خواهد بود)
مجازات های در نظر گرفته شده برای شخص حقوقی در ماده 20 آمده که از این قرار است.

الف - انحلال شخص حقوقی

ب- مصادره کل اموال شخص حقوقی

نکته مهم : طبق ماده 22 این دو مجازات بالا فقط زمانی اعمال می شود که **یا شخص حقوقی برای ارتکاب جرم** به وجود آمده باشد **یا با انحراف از هدف مشروع نخستین فعالیت خود را منحصر در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.**

ج- ممنوعیت از داشتن چند شغل به صورت دایم یا حداکثر 5 سال

د- ممنوعیت از افزایش سرمایه به صورت دایم یا حداکثر 5 سال

ه- ممنوعیت از صدور برخی اسناد تجاری حداکثر برای 5 سال (دقت : اینجا ، دایم ندارد)

ی- جزای نقدی

و- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه ها

نکته : **حداکثر** مجازات قابل اعمال بر شخص حقوقی **۲** مورد از موارد مذکور است که با توجه شدت جرم و نتایج آن بر شخص حقوقی بار میشود.

نکته مهم : مجازات این ماده شامل جرمی که یک شخص حقوقی دولتی یا شخص حقوقی عمومی غیر دولتی (**در موارد اعمال حاکمیت**) مرتکب میشود نمیشود. تبصره ماده 20

نکته : قانونگذار گفته است که قاضی اگر خواست جزای نقدی به شخص حقوقی بدهد به چه میزانی می تواند حکم کند :

ماده 21 گفته : هر مقدار قانون برای ارتکاب آن جرم توسط شخص حقیقی تعیین کرده ، برای اشخاص حقوقی **حداقل 2 برابر و حداکثر 4 برابر حکم کنید.** ماده 21

مثال : قانون گفته جرم 100 X هزار تومان جزای نقدی دارد. حالا شخص حقوقی همین جرم را انجام می دهد. قاضی باید حداقل 200 هزار تومان (حداقل 2 برابر) و یا حداکثر 400 هزار تومان (حداکثر 4 برابر) حکم دهد.

به بحث مجازات ها برمی گردیم.

مجازات های مقرر در قانون مجازات اسلامی ۳ قسم اند و عبارتند از:

۱- **مجازات اصلی:** مجازاتی است که قانونگذار برای جرم معینی تعیین کرده و به طور مستقیم مورد حکم قرار می گیرد. مجازات اصلی مطابق ماده ی ۱۴ ق م ا خود به ۴ دسته ی حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم میشود.

۲- **مجازات تکمیلی:** موضوع ماده ۲۳ ق م ا که در جای خود بررسی خواهد شد.

۳- **مجازات تبعی:** موضوع ماده ۲۵ ق م ا که در جای خود بررسی خواهد شد.

نکته : مجازات های بازدارنده در ق جدید حذف شده است.

۱- **مجازات اصلی:** همانطور که گفته شد مجازات های اصلی به ۴ دسته ی حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم میشوند.

تعریف حد : ماده 15

مجازات کی که موجب (شراب خوردن) ، نوع (شلاق) ، میزان (80 ضربه) و کیفیت اجرای ان (مثلا مجرم در قسمتی که می خواهند شلاق بزنند باید عریان باشد) در شرع مقدس (یعنی قران و سنت و) تعیین شده باشد.

تعریف قصاص : این تعریف را به عنوان یک اصل یاد بگیرید ماده 16

قصاص ، مجازات اصلی جرایم عمدی بر نفس (مثل قتل) ، اعضا (مثل کور کردن دیگری) و منافع (مثل از دست رفتن بینایی یا شنوایی و) می باشد.

تعریف دیه : ماده 17

دیه مالی است که به مجنی علیه داده یا اولیای دم او می شود.

منظور از دیه ، هم مقدر (مثلا شرع صریحا گفته دیه قتل 100 شتر است) و هم غیر مقدر (یا ارش ، در جایی که شرع مقدس میزان دیه را صریحا مشخص نکرده) می باشد.

دیه در 2 جا داده می شود 1. **جنایت غیر عمدی** اعم از شبه عمد و خطای محض بر نفس و اعضا و منافع (مجازات اصلی)

2. وقتی در **جنایت عمدی مجرم به هر دلیلی قصاص نشود**. (مجازات بدلی)

نکته : ماهیت **دیه دین** است و به حکم قانون **کیفر** هم هست.

نکته : دیه، **دین** است. پس اگر محکوم فوت کند ساقط نمی شود و از ماترک متوفی یا از وراث او استیفا می شود، همچنین دیه جزو ماترک متوفی است و با فوت شخص بین وراث او تقسیم می شود.

نکته : دیه به درخواست شاکی قابل دریافت است و با رضایت شاکی هم منتفی می شود، ضمن این که مطالبه ی دیه نیازمند دادخواست نیست.

تعریف تعزیر ماده 18 :

تعزیر ان است که نه جز دسته حدود و نه قصاص و نه دیات باشد

تعزیر به دو دسته تقسیم میشود:

۱- **تعزیرات شرعی یا تعزیر منصوص شرعی**: عبارت است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات مقرر گردیده و ترتیب آن به شرح مندرج در قانون مجازات اسلامی می باشد. (تبصره ۱ ماده ۲ ق ۱ د ک)

البته اداره ی حقوقی قوه ی قضاییه در نظریه مشورتی خود به شماره 1406/7 به تاریخ 22/07/1392 اینگونه موضع گیری کرده است:

تعزیرات منصوص شرعی به تعزیراتی گفته می شود که در شرع مقدس اسلام برای یک عمل معین، نوع و مقدار کیفر مشخص شده است، بنابراین مواردی که به موجب روایات و یا هر دلیل شرعی دیگر، به طور کلی و مطلق برای عملی تعزیر مقرر شده است ولی نوع و مقدار آن معین نگردیده، تعزیر منصوص شرعی محسوب نمی شود **مثلا اختلاس و ارتشا تعزیر شرعی نیستند....**

۲- **تعزیرات حکومتی**: عبارتست از تعزیری که در برابر **نقض مقررات حکومتی** و به منظور ایجاد نظم و امنیت اجتماعی تعیین و اعمال میگردد مثل سوقصد به جان رهبری یا شماره موتور نداشتن اتومبیل.
نکته: ماده ۱۸ صرفاً به تعریف تعزیر پرداخته است و به الفاظ تعزیر شرعی و حکومتی در این ماده اشاره **نشده** است.
نکته مهم: قانونگذار جدید صریحاً در ماده 18 **اصل فردی کردن جرم و مجازات و توجه به پرونده شخصیت هر مجرم را در جرایم تعزیری** پذیرفته و دادگاه ها را در هنگام صدور حکم **ملزم** به رعایت آن کرده است.
خیلی مهم: درمورد درجات ذکر شده در ماده ۱۹ به نظر می رسد اگر **از درجه ۸ به سمت درجه ۱** خوانده شود یادگیری آسانتر خواهد بود.

نکات ماده ۱۹:

درجه 1، مجازات سنگین ترین جرم تعزیری و درجه 8 مجازات سبک ترین جرم تعزیری است....

در هر 8 درجه حبس و جزای نقدی وجود دارد.

مصادره کل اموال و انحلال شخص حقوقی فقط در درجه ی یک می باشد.

انفصال دائم فقط در درجه 4 است.

محرومیت از حقوق اجتماعی در درجه 5، 6، 7 است.

ممنوعیت های دائم برای اشخاص حقوقی در درجه 5 است.

ممنوعیت های موقت برای اشخاص حقوقی در درجه 6 است.

شلاق تعزیری در درجه 6، 7، 8 است.

انتشار حکم در رسانه ها فقط در درجه 6 است....

همانطور که در درجه ۶ مشخص است شلاق تعزیری اصولاً تا ۷۴ ضربه میتواند باشد مگر در **جرایم منافی عفت** که تا ۹۹ ضربه از سوی دادگاه قابل اعمال است.

توضیح تبصره 2 ماده 19 با مثال

در فصل تعزیرات جرمی دو تا شش ماه حبس دارد؟ این مجازات در چه دسته ای قرار می گیرد؟

پاسخ: 2 ماه در درجه 8 و 6 ماه در درجه 7 است.

قانونگذار گفته در این موارد بیشترین میزان مجازات (یعنی حد بالا) ان جرم را برای تعیین درجه در نظر بگیرید... یعنی 6 ماه و 6 ماه در درجه 7 می باشد.

به نظر میرسد در تبصره ۳ که قانون گذار میگوید: **در صورت تعدد مجازات، مجازات شدیدتر ... ملاک است**، تعیین مجازات شدیدتر با **قاضی** است.

عدم تطابق مجازاتی با درجات هشت گانه باعث میشود آن مجازات درجه ۷ محسوب شود.

۲- مجازات تکمیلی (تتمیمی): مجازاتهای هستند که برای تکمیل مجازات اصلی مورد حکم قرار می گیرند. **در نتیجه:** نمیتوانند به تنهایی مورد حکم قرار گیرند.

نکات: ماده 23 ق م ا

تعیین مجازات برای قاضی اختیاری است. (هر چند قانونگذار در این ماده از عبارت می تواند استفاده کرده است اما مجازات های تکمیلی در همه ی موارد به اختیار دادگاه نیستند و ممکن است اجباری باشند یا اختیاری.)

صرفا در حدود و قصاص و تعزیر درجه یک تا شش (نه هفت و هشت) امکان پذیر است . (در دیه وجود ندارد)

هم در جرایم عمدی و هم غیر عمدی است (مجازات تبعی فقط در جرم عمدی است)

اعمال مجازات تکمیلی باید با رعایت شرایط مقرر در قانون باشد و با جرم و مجرم متناسب باشد.

یک یا چند مورد مجازات تکمیلی می شود اعمال کرد. (قدر متیقن این است که همه ی موارد مجازات تکمیلی قابل اعمال نیست)

مجازاتهای تکمیلی و مدت آن باید در حکم دادگاه قید شود؛ که مدت مجازات تکمیلی هم بیشتر از دو سال نمی تواند باشد مگر اینکه در قانون مدت تعیین شده باشد. (در نتیجه دادگاه در تعیین میزان مجازات تکمیلی **مکلف** به رعایت مدت هایی است که در قانون پیش بینی شده است)

حکم به مجازات تکمیلی باید ضمن صدور حکم محکومیت باشد و پس از تعیین مجازات نمی توان اقدام به صدور آن کرد.

اگر در مرحله ی بدوی مجازات تکمیلی تعیین نشده باشد در مرحله ی تجدیدنظر نمی توان حکم به آن کرد؛ چون تشدید مجازات به حساب می آید. مگر اینکه دادگاه تجدیدنظر کلا رأی را نقض کند و رأی جدیدی صادر کند.

اگر مجازات اصلی و تکمیلی یک نوع بود ، فقط مجازات اصلی اعمال می شود. یعنی فرضا فرد جرمی انجام داده که مجازات اصلی اش اقامت اجباری در اصفهان است . حال مجازات تکمیلی او هم همین است. در این صورت اقامت اجباری، یک بار آن هم به عنوان مجازات اصلی اجرا می شود.

موارد مجازات تکمیلی حصری است و بعضا در عناوینی با مجازات اصلی مشترک است، از قبیل انفصال از خدمات دولتی و عمومی یا انتشار حکم محکومیت قطعی.

موارد مجازات تکمیلی را مطالعه فرمایید....

نکته: قانون گاه قاعده ای را با ((مگر اینکه قانون نحو دیگری مقرر داشته باشد)) مقید می کند مانند ماده ۳ ق م ا یا تبصره ی ۱ ماده ۲۳ اما گاه قانون مطلق گویی میکند مانند ماده ۲۹ ق م ا که به موجب این ماده در هر حال و مطلقا مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از ۳ سال تجاوز کند.
نکته ماده 24 :

اگر مجرم ، مجازات های تکمیلی اش را اجرا نکند چه ضمانت اجرایی اجرا می شود :

در بار اول : دادگاه به درخواست قاضی اجرای احکام مجازات تکمیلی که در حکم مندرج شده (نه در قانون) تا یک سوم افزایش می دهد. مثلا حسن نباید طبق حکمش تا 9 ماه سلاح حمل می کرده و در این 9 ماه حمل کرده است...قاضی مکلف است تا 3 ماه به ان 9 ماه اضافه کند.

در بار دوم : باقی مانده مدت به حبس یا جزای نقدی درجه 7 یا 8 تبدیل می شود...در مثال ما حسن را حبس درجه 7 یا 8 می کنند برای ادامه مدت.....یا جزای نقدی درجه 7 یا 8 می دهند.

- دادگاه اختیار دارد با پیشنهاد قاضی اجرای احکام پس از گذراندن نیمی از مجازات تکمیلی نسبت به لغو یا کاهش مدت آن تصمیم بگیرد البته در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم....یعنی حسن مثال ما بعد از چهارماه و نیم منع حمل سلاح شاید به صلاحدید قاضی ، مجازاتش لغو یا کاهش یابد.

۳- مجازات تبعی : مجازات تبعی به تبع مجازات اصلی در مورد مرتکب اعمال می شود، مجازاتهای تبعی فقط موجب محرومیت از حقوق اجتماعی می شوند. (ماده ۲۵ ق م ا)

نکات :

مجازات تبعی صرفا در خصوص جرایم عمدی است. و به صورت خودکار اعمال می شود و در حکم قید نمی شود. محکومیت کیفری اطفال ، آثار تبعی ندارد.

محرومیت از حقوق اجتماعی به دو صورت است:

1. دایم : بند الف و ب و پ ماده 26 به خاطر حساسیت بالای این پست ها و سمت ها

2. موقت : سایر بندهای ماده 26....چون طبق ماده 26 بعد از گذشتن مدت مجازات تبعی از شخص اعاده حیثیت می شود. یعنی آثار تبعی محکومیت وی زایل می شود مثلا بعد 3 سال ، فرد مجرم می تواند وکیل دادگستری شود.

مواعد شروع مجازاتهای تبعی: 1- از تاریخ پایان اجرای حکم مثال : اکبر جرم حدی می کند که مجازاتش قطع دستش است...بعد از اینکه اکبر دستش قطع شد.... به صورت خودکار مجازات تبعی اش برای سه سال از روزی که دستش را قطع کردند شروع می شود و بعد گذشت 3 سال از حقوق اجتماعی برخوردار می شود یعنی از او اعاده حیثیت می شود جز بند الف و ب و پ ماده 26.. 2- از تاریخ شمول مرور زمان 3- از تاریخ توقف اجرای حکم در جرایم سالب حیات و حبس ابد 4- از تاریخ عفو(منظور عفو خصوصی است چون عفو عمومی آثار مجازات را هم زایل می کند) 5- از تاریخ اتمام آزادی مشروط مجازات تبعی در مورد محکومیت تعلیقی قابل اجرا نیست.

برای محرومیت از حقوق اجتماعی باید **حکم قطعی** شده باشد، و پس از سپری شدن مدت محرومیت از حقوق اجتماعی، خودبه خود حقوق اجتماعی باز می گردد و احتیاج به حکم دادگاه نیست. (اعاده حیثیت)

در جرایمی که مجازات تبعی دارند مراتب محکومیت (البته قبل اعاده حیثیت) در پیشینه کیفری درج می شود و در گواهی های صادره از مراجع ذی ربط منعکس می شوند . اما در جرم هایی که مجازات تبعی ندارند ، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری درج میشود ، اما اگر مراجع ذی ربط استعلام خواستند منعکس نمی شود. یعنی اگر مریم در کانون وکلا قبول شد اما جرمی در قدیم کرده بود مثلاً درجه 8 که آثار تبعی نداشت یا آثار تبعی داشته مثلاً درجه 3 اما مدت آثار تبعی تمام شده بود و کانون وکلا از دادگاه استعلام خواست...دادگاه در پاسخ می نویسدایشان سابقه کیفری نداشته است. در صورت منتفی شدن اعدام و تعیین حبس برای مجرم ملاک محرومیت از حقوق اجتماعی حکم اعدام است (یعنی ۷ سال) اما در صورتی که قصاص عضو به هر علت ممکن نباشد و مرتکب به حبس تعزیری محکوم شود ملاک محرومیت از حقوق اجتماعی حبس خواهد بود.

اگر جرم قابل گذشت بود ، با گذشت شاکی خصوصی ، مجازات تبعی هم از بین می رود. مثلاً شخصی علی را قذف می کند، چون قذف جز حدود است و شلاق حدی دارد مجازات تبعی دارد ، اما چون قابل گذشت است اگر علی بخشید ، مجازات تبعی هم از بین می رود.

مدت های مجازات های تبعی :

7 سال محرومیت از حقوق اجتماعی در جرم هایی که در صلاحیت کیفری استان با 5 قاضی است . (یعنی قصاص نفس ، رجم ، اعدام ، صلب و حبس ابد) از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی
3 سال در قطع عضو مثل سرقت حدی ، قصاص عضو با دیه بیشتر از یک دوم نفی بلد ، حبس درجه 1 و 2 و 3 و 4 (دقت : در مجازات های تعزیری فقط حبس ها ، ان هم تا این چند درجه)
2 سال در شلاق حدی (نه تعزیری) ، قصاص عضو با دیه یک دوم یا کمتر و حبس درجه 5

در نتیجه:

حبس از درجه ۱ تا ۵ مشمول مجازات تبعی است **نه تعزیر** از درجه ۱ تا ۵

جزای نقدی و شلاق تعزیری مجازات تبعی ندارد.

قطع عضو مجازات سرقت حدی بار اول و دوم است همچنین یکی از مجازات های محاربه است. **نفی بلد یا تبعید** نیز یکی از مجازات های ۴ گانه ی محاربه است.

نکات ماده ی ۲۶ ق م ا:

حقوق اجتماعی مندرج در این قانون **حصری** هستند و تمثیلی نیستند.

مدت انفصال از خدمت مستخدمان حکومتی، مدتی است که در **قانون یا حکم دادگاه** تعیین شده است.

موارد مندرج در بند های **الف و ب و پ** به جهت اینکه به طور **دایمی** با محرومیت مواجه اند لازم است با دقت بررسی شوند در نتیجه توصیه می شود آنها را بدانید و با دقت بررسی نمایید.

و من الله توفیق